با مردم
شماره تلفن ارتباطی با خوانندگان ۰۲۱۲۳۰۲۳۳۳۷

قوه قضاییه به دادم برسد

۲سال قبل از ســر ناچاری مقداری پول نزول کردم و خانه‌ام را در رهن گذاشتم. بعد از ۴ماه خدا خواست و پول را جور کردم و خواستم پول را یکجا بازگردانم که چون دلار و طلا گران شده بود قبول نکرد و گفت باید طلا پس بدهی که قیمت طلای مطالبه شده بسیار بیشتر از پول اولیه بود. هر چه کردیم تاکنون موفق نشده‌ایم و اکنون ما را از خانه بیرون کرده و به استناد اجاره‌نامه‌ای که دارد علیه ما حکم گرفته اســت و به تازگی نیز خانه را برای فروش آگهی کرده اســت! قاضی هم پیرو حکم صادر شــده و اعتراض ما، می‌گوید: «برو شکایت کن.» جز دادگاه عدل کشورم به کجا می‌توانم شکایت کنم؟ از مسئولان ارشد قوه قضاییه تقاضا دارم به داد من برسد. هر چند در مقوله نزول پول اشتباه کردم اما ظرف چندماه آماده بودم پول را بازگردانم که این داستان‌ها رقم خورد و اکنون بی‌خانمان شده‌ام.

شهروند بی‌خانمان

روستای شیرینو در بوشهر نیازمند دبیرستان پسرانه است

روستای ۱۵هزار نفری شــیرینو از توابع شهرستان کنگان در استان بوشهر نیازمند دبیرستان پسرانه است تا فرزندان پسر این روستا مجبور نباشند برای تحصیل به کنگان در ۵۵کیلومتری یا بوشهر در ۲۷۵کیلومتری بروند. داشتن یک دبیرستان در کنار صنایع عظیم پارس‌جنوبی از سوی مردم روستا تقاضای زیادی نیست، ضمن اینکه در کنار آن می‌توان امکان استفاده دختران از این فضای آموزشی را فراهم کرد.

اهالی روستای شیرینو

پیامک
ارسال پیام کوتاه خوانندگان ۰۲۱۲۳۰۲۳۹۱۶

بیمه‌درمانی تأمین اجتماعی پاسخگوی هزینه‌های پزشکی نیست

من یک بازنشسته تأمین اجتماعی با ۳۵سال سابقه کار هستم. امثال من ســال‌های زیادی حق بیمه پرداخت کرده‌ایم تا در دوران کهولت و بیماری، از مزایای این بیمه برخوردار باشیم هم‌اکنون نه‌تنها بســیاری از داروها و خدمات درمانی توسط تأمین اجتماعی پوشش داده نمی‌شود بلکه برخورد درستی هم در بیمارستان‌ها و درمانگاه‌ها با بیماران تحت پوشش این بیمه صورت نمی‌گیرد و اغلب با منــت با ما برخورد می‌کنند درحالی که ما از قبل و طی سال‌ها بیمه و حق ویزیت پزشکان را پرداخت کرده‌ایم.

بیطرف از تهران

برای رهن و اجاره مغازه و محل کسب هم سقف قیمتی بگذارند

به‌عنوان یک جوان با ســرمایه اندکی از ارثیه پدرم قصد دارم کسب‌وکاری در شهرمان فردوس ایجاد کنم اما اجاره و رهن مغازه در این شهر سر به فلک گذاشته است. اگر کسی از قبل مالک بوده که ســر جایش نشســته ولی اگر کسی قرار باشد مغازه‌ای اجاره کند واقعا باید گنج قارون داشــته باشد. همه مصوبات اجاره‌ای هم برای خانه‌هاســت و کســی توجهی به اجاره‌های وحشــتناک مغازه‌ها و محل‌های کسب‌وکار ندارد. فکری برای ما بکنند.

زیبنده از فردوس

خیابان‌های جنت‌آباد مرکزی نیاز به رسیدگی دارند

خیابان‌های شهید توکلی، رســتمی و صفرخانی و همینطور بلوار بعثت واقع در منطقه جنت‌آباد مرکزی، مدت‌هاست که به‌طور منظم و درست نظافت نمی‌شود و جوی‌های آب آن هم نیاز به لایروبی دارد.

سلطانی از تهران

پیام
تلگرام با مردم @bamardom_hamshahri

جاده بندری جاسک به چابهار فقط اسمش جاده است

جاده بندری جاســک به چابهار در بسیاری از قسمت‌ها خاکی است، در طول مســیر پمپ بنزینی وجود ندارد، رادیو و تلفن همراه در این جاده آنتن نمی‌دهد و در مسیر هیچ پایگاه امدادی و اورژانسی یا پلیس دیده نمی‌شود. از علائم راهنمایی و رانندگی هم خبری نیست. هوای بســیار گرم هم بعضا مسائلی را رقم می‌زند که در جاده هیچ فریادرسی نیست. اگر اسم این مسیر جاده است یکسری امکانات برایش درنظر بگیرند، اگر نه اجازه ندهند خودروها در آن تردد کنند تا جلوی حوادث گرفته شود.

بدری از جاسک

وام ودیعه مسکن ۱۴۰۱ به چه کسانی می‌رسد؟

پارسال اعلام کردند برای وام ودیعه مسکن مخصوص مستأجران باید کد رهگیری دریافت کرد. مستأجران به امید دریافت وام به ســامانه مراجعه کرده و با واریز ارقامی منتظر ماندند تا پیامک دریافت کننــد. صاحبخانه‌ها هم بــرای دادن کد رهگیری به مستأجران مبالغی پرداختند اما بعد از مدتی گفتند بودجه نداریم و پول‌های ثبت‌نامی و هزینه برای دریافت کد رهگیری بی‌اثر شد. امسال هم دوباره اعلام کردند که ثبت‌نام انجام شود. به محض دریافت پیغام واجد شرایط بودن، پیامک انتخاب بانک می‌آید و بعد از مراجعه به سامانه جامع مسکن پیغام داده می‌شود که باید تاریخ اجاره از اول فروردین سال ۱۴۰۱ باشد. این درصورتی است که اجاره‌نامه بنده نوعی به‌عنوان مستأجر از مرداد ۱۴۰۰ تا مرداد ۱۴۰۱ هســت. حالا باید مجددا پــول واریز کنم و کد رهگیری بگیرم و احتمالا بعد از واریز پول هم بانک‌ها بودجه برای تسهیلات مستأجران ندارند و دوباره رقمی از جیب من و امثال من رفته بدون اینکه ریالی وام بگیریم! در ثانی سؤال بنده این است ۶۵۰هزار تومانی که من برای کد رهگیری دادم و ۶۵۰هزار تومانی که صاحبخانه به‌حساب املاک واریز کرد کجا رفته‌اند؟

حبیب کاسب‌زاده از تهران

روایت ۲سال تلاش خیرین برای نجات عمو یحیی از قصاص

قهوه‌چی معروف از زندان آزاد شد

گزارش

عمو یحیی، قهوه‌چی محبوب سلبریتی‌ها و چهره‌های معروف که با گذشت خانواده مقتول از قصاص گریخته بود، عصر یکشــنبه گذشــته از زندان آزاد شد. او حالا زندگی‌اش را مدیون بزرگ‌منشی خانواده مقتول و البته تلاش خیرانی است که ۲سال کوشیدند تا با گرفتن رضایت اولیای دم، مانع از قصاص مرد سالخورده‌ای شوند که از ارتکاب جنایت نادم و پشیمان بود.

به گزارش همشــهری، عمو یحیی و قهوه‌خانه معروف او در دربند برای خیلی از بازیگران و چهره‌های معروف شناخته‌شده و سال‌ها پاتوقی برای تفریح و خوردن یک صبحانه دل‌انگیز بود. اما شهریور سال ۹۸ حادثه‌ای خبری در رسانه‌ها منتشر شد که خیلی‌ها را شوکه کرد؛ خبری که نشان می‌داد قهوه‌چی معروف و آرام دربند در جریان درگیری با شریکش با ضربه چاقو او را به قتل رسانده است. پس از این اتفاق بود که عمو یحیی قهوه‌چی به اتهام قتل عمد دستگیر و درحالی که خودش هم کاملا در شوک بود، به قتل شریکش اعتراف کرد. او می‌گفت: من و مقتول حدود ۴۰سال با هم دوست و همکار بودیم. رفت‌وآمد خانوادگی داشتیم و خانواده‌اش به من خیلی لطف داشتند و اصلا نمی‌دانم چه شد که در یک لحظه عصبانیت کنترلم را از دســت دادم و با چاقو به او ضربه زدم. شواهد از این حکایت داشت که درگیری قاتل و مقتول بر سر سرقفلی همان قهوه‌خانه معروف بوده است. اما هرچه بود، نتیجه این عصبانیت نه‌تنها جان مقتول را گرفته و خانواده او را داغدار کرده بود، که خانواده دیگری (خانواده قاتل) را هم به ورطه فروپاشی کشانده بود. عمو یحیی مدتی بعد در دادگاه محاکمه و با اصرار خانواده مقتول به قصاص محکوم شد؛ حکمی که دیوان‌عالی کشور هم مهر تأیید به آن زد و این یعنی تنها راه نجات قهوه‌چی ســالخورده از قصاص، گذشت خانواده مقتول است.

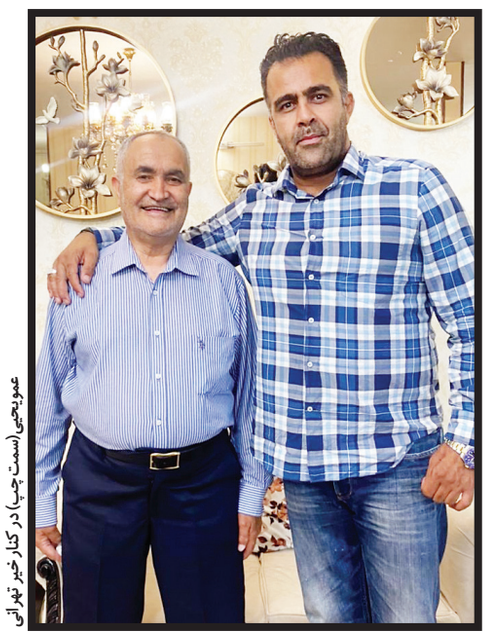
عمو یحیی (سمت چپ) در کنار خیر تهرانی

ورود خیرین به پرونده

خانواده عمو در شوک بودند. خانواده‌ای که ده‌ها سال با آبرو زندگی کرده بودند، حالا بر ســر یک لحظه عصبانیت عمو یحیی در خطر بزرگ‌ترین مجازات قرار داشتند؛ قصاص سرپرســت خانواده. در این شرایط بود که دختر بزرگ او به تکاپو افتاد تا هر طوری شده رضایت خانواده مقتول را بگیرد. اما او به‌تنهایی نتوانســت کاری از پیش ببرد و به همین دلیل دل به کمک خیرین بست. مهدی شهرابی، یکی از خیرین پایتخت است که ســابقه گرفتن رضایت برای قاتلان زیادی را دارد که ناخواسته و در اوج عصبانیت دست به جنایت زده و از کرده خود به‌شدت نادم و پشیمان بودند. او که خودش هم از مشتریان قهوه‌خانه معروف عمو یحیی بود، در گفت‌وگو با همشــهری می‌گوید: من و یکی دیگر از خیرین به نام ســیدمصطفی اصغری از طریق دختر عمو یحیی در جریان وضعیت پرونده و خانواده آنها قرار گرفتیم. وقتی پرونده را مطالعه کردیم، متوجه شدیم که همه‌چیز بر اثر یک لحظه عصبانیت رخ داده است. عمو یحیی مردی بود که بیش از ۴۰سال خانواده‌اش را با شرافت و آبرو حفظ کرده بود و حالا این خانواده در معرض فروپاشی بود.

او ادامه می‌دهد: در این سال‌هایی که برای نجات قاتلانی که به‌خاطر یک اشتباه و یک لحظه عصبانیت دســت به جنایت زده‌اند فعالیت می‌کنم، به‌خوبی متوجه شده‌ام که جنایت، سن و ســال نمی‌شناسد. هر انسانی در هر سنی در معرض خطر است. فقط کافی است یک لحظه خشمت را کنترل نکنی و یک لحظه دچار اشــتباه شوی تا خدای ناکرده در جریان یک درگیری هولناک‌ترین حادثه را (قتــل) رقم بزنی. عمو یحیی هم از این دسته افراد بود که حالا به‌خاطر اشــتباهی که کرده بود، خودش را نمی‌بخشید. شهرابی می‌گوید: با همکاری واحد صلح و سازش دادسرای جنایی تهران تلاش برای گرفتن رضایت خانواده مقتول را آغاز کردیم. هر بار که برای مذاکره به خانه آنها می‌رفتیــم، محترمانه و بزرگوارانه برخورد می‌کردند. آنها عمو یحیی را کاملا می‌شناختند و حتی برای او احترام قائل بودند اما حادثه‌ای که رخ داده بود، چنان غمی در دلشــان گذاشــته بود که چیزی جز قصاص نمی‌خواســتند. حق هم داشتند. سرپرســت خانواده‌شــان را از دســت داده بودند و همه اینها به‌دلیل اشتباهی رخ داده بود که قاتل مرتکب شــده بود. با این حال دست از تلاش برنداشتیم و در این ۲سالی که گذشت، آنقدر رفتیم و آمدیم که در نهایت خدا کمکمان کرد و دلشان نرم شد و حاضر به گذشت شدند. خانواده مقتول همین یک ماه پیش بود که حاضر شدند از قصاص قاتل بگذرند. آنها با حضور در دادســرای جنایی تهران قاتل را بخشیدند اما هنوز عمو یحیی ۷۳ساله در زندان بود و باید از لحاظ جنبه عمومی جرم محاکمه می‌شد؛ اتفاقی که چند روز پیش رخ داد و با توجه به اینکه وی حدود ۳سال در زندان بود، هیچ سابقه کیفری نداشت، خانواده مقتول بی‌قید و شرط گذشــت کرده بودند و از طرفی خودش نادم و پشیمان بود، ایامی را که در حبس گذرانــده بود به‌عنوان مجازات درنظر گرفته شد و به این ترتیب او عصر یکشنبه از زندان آزاد شد. به گفته شهرابی، لطف خدا بود که باعث شد دل خانواده مقتول نرم و آنها حاضر به گذشت شوند. حالا و پس از آزادی عمو یحیی، از آنجا که وی هیچ منبع درآمدی ندارد قرار اســت برای او مغازه‌ای تهیه کنیم تا وی بتواند قهوه‌خانه و دیزی‌سرای خودش را راه‌اندازی کند و بقیه عمرش را در کنار خانواده‌اش سپری کند. این خیر تهرانی معتقد است که ریشه اصلی بسیاری از جنایات ناخواسته‌ای که در کشور رخ می‌دهد، خشم آنی و عدم‌توانایی در کنترل آن است و اگر افراد یاد بگیرند که چطور خشم خود را کنترل کنند، آمار جنایت در کشورمان با کاهش چشمگیری روبه‌رو خواهد شد.

سارقان صندوق امانات بانک ملی به محل جرم برگشتند

پیگیری

بار دیگر صحنه دستبرد به صندوق امانات بانک ملی شعبه دانشگاه در نیمه‌های شب تکرار شد، اما این بار نه در خلوتی روزهای تعطیل که در برابر پلیس و تیم قضایی. بامداد دیروز ۲نفر از سرکردگان این باند به محل سرقت بازگشتند و توضیح دادند که چطور وارد بانک شده و با خیال راحت ظرف ۱۳ ساعت محتویات ۱۶۸صندوق را خالی کردند.

به گزارش همشهری، رسیدگی به پرونده بزرگ‌ترین ســرقت پایتخــت کــه در جریــان آن، دزدان به صندوق‌های امانات بانک ملی شعبه دانشگاه تهران دستبرد زده و محتویات ۱۶۸صندوق را خالی کرده بودند در دادسرای ویژه سرقت و اداره آگاهی تهران ادامه دارد. اعضای این باند ۱۳نفرند که ۴عضو اصلی باند (۳برادر و یکی از اقوام آنها) تیرماه سال گذشته به بانکی در شهر قائمشهر دستبرد زدند و همان سال از سوی پلیس دستگیر شدند. هرکدام از آنها با حکم دادگاه به ۹سال زندان محکوم شدند، اما بعد از مدتی توانستند با سپردن وثیقه از زندان مرخصی بگیرند و کمی بعد هم نقشه سرقت از صندوق امانات بانک ملی را عملی کنند. در شرایطی که هنوز ۳متهم این پرونده از ترکیه به ایران برگردانده نشده‌اند، ۲نفر از اعضای اصلی باند شامگاه یکشنبه برای انجام تحقیق به دادسرای ویژه سرقت منتقل شدند و پس از انجام تحقیقات قضایی، حدود ساعت یک بامداد دیروز به همراه قاضی نصرتی، سرپرست دادسرای ناحیه ۳۴ تهران و سرهنگ علی ولی‌پور گودرزی، رئیس پلیس آگاهی تهران و تعدادی از کارآگاهان تشخیص هویت به محل سرقت انتقال یافتند.

دزدان درست در همان ساعتی که برای سرقت وارد بانک شــده بودند، بار دیگر راهی آنجا شدند، اما این بار در حضور تیم قضایی و پلیس تا صحنه ســرقت بزرگ پایتخت را بازســازی کنند. آنها نشان دادند که چطور از روی دیوار به محوطه پارکینگ پریده و با تجهیزاتی که داشتند، وارد آنجا شده و صندوق‌ها را باز و محتویاتشان را خالی کردند. بررسی‌ها نشان می‌دهد که اعضای این گروه کاملا حرفه‌ای هستند و تخصص اصلی آنها باز کردن در صندوق‌هاست. آنها همچنین در زمینه هک کردن هم تخصص داشتند و در جریان بازسازی صحنه سرقت، مدام این جمله را تکرار می‌کردند که هرگز تصور نمی‌کردند پلیس به این سرعت آنها را شناسایی و دستگیر کند.

بیشترین سرقت؛ ۱۰میلیارد تومان

سارقان پس از بازسازی صحنه سرقت به بازداشتگاه منتقل شــدند و تحقیقات در این پرونده همچنان ادامه دارد.

برای تکمیل تحقیقات، باید شکایت مالباخته‌ها نیز در پرونده ثبت شود؛ به همین دلیل مالباخته‌ها یکی پس از دیگری به دادسرای ویژه سرقت مراجعه کرده و شکایت خود را ثبت می‌کنند. هم‌اکنون ۷۰نفر از مالباخته‌ها شکایت خود را در دادسرا ثبت کرده‌اند و بررسی‌ها نشان می‌دهد که بیشترین اموالی که از یک صندوق امانات سرقت شده ۱۰میلیارد تومان طلا و جواهرات متعلق به یک طلافروش بوده اســت. وی این جواهرات را در صندوق امانات بانک ملی شعبه دانشــگاه نگهداری می‌کرد و در شکایت خود گفته که از ترس دستبرد به ســرمایه‌ای که داشته، طلا و جواهراتش را به صندوق ســپرده بود. یکی دیگر از مالباختگان جراح متخصصی بود که دیروز به قاضی گفت ارزش اموال وی حدود ۶۰۰میلیون تومان بوده است. مالباخته دیگری هم دیروز در دادسرای جنایی تهران حاضر شده بود که استاد دانشگاه بود و ارزش اموالش ۴٫۵میلیارد تومان بود. شاکی دیگری هنگام پر کردن برگه شکایت عنوان کرد که چند سال قبل صندوق را اجاره کرده و حدود ۱۳۰سکه طلا و مقدار زیادی پول نقد در صندوق داشته است.

براساس این گزارش، ثبت شکایت مالباخته‌های دیگر به‌زودی انجام و پرونده در این قسمت تکمیل خواهد شد تا اموال به‌زودی تحویل مالباخته‌ها شود. از سوی دیگر تحقیقات از متهمان برای کشف جزئیات بیشتر ادامه دارد.

گردانندگان پرحاشیه سایت شرط‌بندی و قمار اگر در دادسرا حاضر نشوند، تحت تعقیب اینترپل قرار می‌گیرند

احضار ساشا، تتلو و دنیا جهانبخت به دادسرای جنایی تهران

گردانندگان یک ســایت شــرط بندی و قمار که از افرادی زیادی در تهران کلاهبرداری کرده بودند، ۳فرد پرحاشیه فضای مجازی هستند که به دادسرای جنایی پایتخت احضار شدند. متهمان ساشا پسر سفیر سابق ایران در ونزوئلا و امیر تتلو و دنیا جهانبخت هستند که در برابر اتهام کلاهبرداری قرار دارند.

به گزارش همشهری، پرونده ساشا پسر سفیر سابق ایران در ونزوئلا به‌دلیل آنکه سال ۹۱ در پنت هاوس خود در شــمال تهران پارتی شــبانه برگزار کرده و مهمانی او با جنایت پایان یافته در دادسرای جنایی تهران در حال رســیدگی اســت. ماجرای این قتل جنجالی به بامداد ۱۸فروردین سال ۹۱ برمی‌گردد. آن روز پســر جوانی که بر اثر اصابــت ضربه چاقو به بیمارستان منتقل شــده بود جان باخت و کسی که او را به بیمارســتان انتقال داده بود بازداشت شد. او ساشا، پسر سفیر ســابق ایران در ونزوئلا بود که در تحقیقات گفت: شب حادثه، مهمانی شبانه در خانه‌ام در خیابان فرشته برگزار کرده بودم و برخی از مهمانانم بازیگران و سوپراستارهای سینما، فوتبالیست و افراد مشــهور بودند. مقتول هم از مهمانانم بود اما حوالی ساعت ۱۰شــب چند نفر به مقابل خانه‌ام آمدند و با مقتول درگیر شدند و با چاقو او را زدند. من هم او را به بیمارستان منتقل کردم اما جانش را از دست داد. در ادامه تحقیقات هویت افرادی که با مقتول درگیر شده بودند شناسایی شد. آنها بازداشت شدند اما بررسی‌ها نشان می‌داد فردی که با چاقو به مقتول ضربه زده و او را به قتل رسانده بود از کشور گریخته بود. با این حال وی تحت تعقیب پلیس قرار داشــت تا اینکه مدتی بعد خبر رسید که او به ایران بازگشته و به این ترتیب بازداشت شد. با دستگیری قاتل، افرادی که درجریان نزاع دسته جمعی بازداشت شده بودند از جمله ساشا پسر سفیر سابق ایران در ونزوئلا با سپردن وثیقه آزاد شدند. ساشا پس از آزادی از کشور گریخت و طولی نکشید که با انتشــار کلیپ‌های عجیب و غریب در شــبکه‌های اجتماعی تبدیل به یک چهره جنجالی و پرحاشیه شد.

از سوی دیگر متهم اصلی پرونده که دستگیر شده بود به قتل اقرار کرد و گفت بر سر اختلافاتی که از قبل با مقتول داشته با او درگیر شده و با چاقو به وی حمله کرده است. او توضیح داد که بعد از جنایت به ترکیه رفته و از آنجا به اروپا و بعد کانادا. اما پس از آنکه متوجه شده خانواده‌اش یک میلیارد تومان به خانواده مقتول داده و رضایت گرفته‌اند، خیالش راحت شده و به ایران برگشته و پس از آن دستگیر شده است.

اتهام جدید در پرونده جنجالی

درحالی که این پرونده همچنان در دادسرای جنایی تهران در حال رســیدگی اســت، از مدتی قبل افراد زیادی به پلیس فتای پایتخت مراجعه کردند و به طرح شکایت از گردانندگان یک سایت شرط بندی و قمار پرداختند. به گفته مالباختــگان، آنها پول زیادی به بهانه شرط بندی پرداخت کرده و در حالی که بسیاری از آنها برنده بازی‌ها می‌شدند اما پولی به آنها پرداخت نمی‌شد. از اواخر پارسال این شکایت‌ها مطرح شده و روزبه‌روز بر تعداد آنها افزوده می‌شــد. در این شرایط تیمی از مأموران پلیس فتا وارد عمل شدند و با انجام ردیابی و رصد در فضای مجازی دریافتند گردانندگان این سایت‌ها از افراد پرحاشیه و جنجالی فضای مجازی هستند که در ایران زندگی نمی‌کنند. بررسی‌ها نشان می‌داد که این افراد ساشــا، پسر سفیر سابق ایران در ونزوئلا، امیر تتلو خواننده فراری و دنیا جهانبخت از چهره‌های معروف در شبکه‌های مجازی هستند که این ســایت‌ها را راه‌اندازی و هدایت می‌کنند. تمام پول‌های مردم نیز به‌حساب این افراد منتقل شده و آنها از این طریق توانسته‌اند ثروت زیادی را با فریب مردم و کلاهبرداری به بهانه شرط بندی و قمار به‌دست آورند.

از آنجا که پرونده ساشا در دادسرای جنایی تهران در حال رسیدگی بود، پرونده جدید وی که رسیدگی به اتهام کلاهبرداری هایش بود نیز به دادسرای جنایی تهران فرستاده شد. در این شرایط قاضی محمد امین تقویان، بازپرس شعبه هشتم دادسرای جنایی تهران دستور احضار این ۳چهره معروف را که از گردانندگان سایت شرط‌بندی هســتند صادر کرد. چنانچه آنها در دادسرا حاضر نشوند دستور جلب این ۳نفر صادر خواهد شد و از آنجا که آنها در خارج از ایران هستند تحت تعقیب اینترپل قرار می‌گیرند.

سرقت ۵میلیاردی زن معتاد

زن معتاد در جریان رفت‌وآمد به خانه‌ای اعیانی توانســت کلید صاحبخانه را کپی کرده و در فرصتی مناســب اموالی به ارزش ۵میلیارد تومان از آنجا سرقت کند. به گزارش همشهری، چندی قبل مردی به کلانتری ۱۶۳ ولنجک رفت و از دستبرد میلیاردی به خانه‌اش خبر داد. او گفت: از خانه‌ام بیرون رفته بودم؛ اما وقتی برگشتم متوجه شدم سارق یا سارقان به خانه‌ام دستبرد زده‌اند و مقدار زیادی پول و طلا که حدود ۵میلیارد تومان ارزش داشت سرقت شده است. آنطور که شاکی می‌گفت در این سرقت هیچ قفل و دری تخریب نشده بود و این نشان می‌داد سارق فردی آشنا بوده است. در ادامه معلوم شد که زن جوانی که به موادمخدر اعتیاد دارد به خانه شاکی و خانه مجاور او رفت‌وآمد می‌کرده است. بنابر این نام وی به‌عنوان مهم‌ترین مظنون این پرونده ثبت شد. با ادامه تحقیقات درباره زن معتاد اطلاعات بیشتری درباره او به‌دست آمد و درنهایت مأموران حتم پیدا کردند که او عامل سرقت ۵میلیاردی است و او را در مخفیگاهش درحالی که مشغول مصرف موادمخدر بود دستگیر کردند. سرهنگ ســعید دالوند، رئیس پایگاه سوم پلیس آگاهی تهران بزرگ در این‌باره گفت: متهم در بازجویی‌ها به سرقت اعتراف کرد و گفت در جریان رفت‌وآمدهایش به خانه شاکی و همسایه او توانسته کلید در ورودی را به‌دست آورده و از روی آن کپی کند. او همچنین درباره سرنوشــت اموال مسروقه نیز گفت که این اموال را برای تامیــن هزینه مصرف موادمخدر مصرفی‌اش به افراد عبوری فروخته است.

به‌گفته سرهنگ دالوند هم‌اکنون متهم در بازداشت به سر می‌برد و تحقیقات برای کشف سایر جرائم احتمالی او ادامه دارد.

کوتاه از حادثه

سرنوشت عجیب پسر گمشده

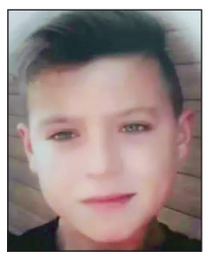

«۲۰روز همه جــا را برای پیدا کــردن بــرادرزاده‌ام زیر پا گذاشــتم تــا اینکه فهمیــدم مــردی او را به خانه‌اش برده اســت.» این حرف‌های عمــوی فیاض، کودک ۱۰ساله‌ای است که از حدود ۳هفته قبل به طرز عجیبی گم شده بود.

به گزارش همشهری، پسر ۱۰ســاله که فیاض احمدی نام دارد و از مهاجران افغان اســت از حدود ۴ماه قبل همراه با عمویش برای زندگی به تهران آمد. پــدر او مدتی قبل در جنگ با طالبان جانش را از دست داد و مادرش نیز در جریان یک حادثه از بلندی سقوط کرد و جان باخت. در این شرایط بود که سرپرستی فیاض به عمویش سپرده شد و او فیاض را همراه همسر و دختر ۲ساله خودش به ایران آورد. این مرد که سرایدار یک ساختمان در منطقه شمیران‌نو است همه تلاشش را انجام می‌داد تا برادرزاده‌اش زندگی خوبی داشته باشــد اما حدود ۲۰روز قبل وقتی فیاض برای بازی از خانه بیرون رفت، دیگر برنگشت.

عمویش که نگران فیاض شده بود با عجله خودش را به پارک رساند اما هیچ‌کدام از بچه‌ها آنجا نبودند. او هرچه صبر کرد خبری از برادرزاده‌اش نشــد و به ناچار نــزد پلیس رفت و کمک خواست. این مرد مشخصات برادرزاده ۱۰ساله‌اش را در اختیار مأموران قرار داد و برای پیدا کردن او درخواست کمک کرد. از آن روز نام و مشــخصات فیاض در بین افراد مفقود شــده قرار گرفت. تلاش‌ها برای پیدا کردن فیاض حدود ۲۰روز طول کشید تا اینکه چند روز قبل عموی فیاض فهمید که بــرادرزاده‌اش در خانه مردی زندگی می‌کند. به همین دلیل برای پس گرفتن فیــاض راهی پلیس آگاهی تهران شد و ماجرا را شرح داد. عموی فیاض که علی‌محمد احمدی نام دارد در این‌باره به همشــهری می‌گوید: آنطور که فهمیدم مردی که در شرق تهران مغازه و وضعیت مالی خوبی دارد برادرزاده‌ام را در خیابان دیده و با وعده و وعید او را به خانه‌اش برده است. او به فیاض گفته بود که من فرزند ندارم و تو بیا فرزندم بشو و فیاض هم که بچه است و خوب و بد را به درستی تشخیص نمی‌دهد فریبش را خورده و با او به خانه‌اش رفته بود و در این مدت آنجا بود.

عموی فیاض در ادامه می‌گوید: ظاهرا این مرد وقتی عکس فیاض را در روزنامه دیده خودش او را نزد پلیس برده و ماجرا را تعریف کرده است. او حرف‌هایی را به برادرزاده‌ام یاد داده بود که به مأموران بگوید. مثلا اینکه من او را وادار می‌کنم که کار کند و پول‌هایــش را از او می‌گیرم. یــا اینکه من با برادرزاده‌ام بدرفتاری می‌کنم. اما خدا شاهد است که همه این حرف‌ها دروغ است. بعد از فوت برادرم و همسرش فیاض و خواهر و برادرش که خیلی کوچک هســتند یتیم شدند. مادرم از آنها نگهداری می‌کند و سرپرستی فیاض هم به من سپرده شد تا او را بزرگ کنم. او دست من امانت است و حالا نمی‌دانم چه کار کنم.

سرقت ۳/۵کیلو طلا برای فرار از ازدواج اجباری

دختر ۱۷ســاله افغان برای فرار از ازدواج اجباری با سرقت ۳٫۵کیلو طلاهای پدر و مادرش از خانه گریخت اما چند روز بعد به دام یک زورگیر بی‌رحم گرفتار شد.

به‌گزارش همشهری، حدود ۲هفته قبل خانواده یک دختر نوجوان افغان به اداره پلیس تهــران رفتند و خبر از ناپدید شدن دخترشان دادند. آنها گفتند که دخترشان قرار بوده به‌زودی پای سفر عقد بنشیند اما به‌طور ناگهانی ناپدید شده و به‌نظر می‌رسد از خانه فرار کرده باشد. آنها توضیح دادند: مدتی قبل یکی از همشهریان ما به خواستگاری دخترمان آمد و قرار عقد را تعیین کردیــم اما دخترمان راضی به این ازدواج نبود و نمی‌خواست با خواستگارش ازدواج کند. همین مسئله باعث شــده بود تا میان او و ما اختلاف و کشمکش به‌وجود بیاید. تا اینکه درنهایت دخترمان راضی به ازدواج شد اما پیش از عقد یکباره ناپدید شد. ما احتمال می‌دهیم که او برای فرار از ازدواج تصمیم به فرار از خانه گرفته باشد اما وقتی متوجه شــدیم تمام طــلا و جواهراتی که در این سال‌ها خریده بودیم سرقت شده، شکمان به یقین تبدیل شد که او با سرقت همه طلاها که حدود ۳کیلو و نیم بود از خانه فرار کرده است.

با اظهارات این خانواده پرونده‌ای در شعبه هشتم دادسرای جنایی تهران تشکیل شد و مأموران با دستور قاضی محمد امین تقویان، تحقیقات برای یافتن دختر ۱۷ســاله را آغاز کردند تا اینکه بعد از گذشــت حــدود ۲ هفته وی به خانه برگشت. او که به‌شدت نادم و پشیمان بود به سرقت طلاها اعتراف کرد اما مدعی شد که همه طلاها را از او دزدیده‌اند. وی روز گذشته با حضور در دادسرا به بازپرس پرونده گفت: من نمی‌خواستم به ازدواج اجباری تن بدهم. از سوی دیگر به تازگی در فضای مجازی با دختری به‌نام مینا آشنا شده بودم و او وقتی متوجه شد که خانواده‌ام قصد دارند به اجبار مرا به خانه بخت بفرستند پیشــنهاد فرار از خانه را داد. اما گفت باید پول همراهم باشد و من همه طلاهای پدر و مادرم را دزدیدم و شبانه از خانه فرار کردم. چند روزی به خانه مینا و چند روزی را هم به خانه زنی جوان رفتم اما روز حادثه مینا به من زنگ زد و خواســت به خانه‌اش بروم و پیش او بمانم. درحالی که طلاها همراهم بــود به خانه مینا رفتم اما داخل آسانسور مردی که ماسک به‌صورت داشت با چاقو به سمتم حمله کرد. او با دســته چاقو ضربه‌ای به سرم زد که دچار سرگیجه شدیدی شدم و بعد با تهدید کیفم را که داخل آنها طلاها بود سرقت کرد. من هم ناچار شدم نادم و پشیمان به خانه برگردم و حالا به دادسرا آمده‌ام که از مینا شکایت کنم. من به او مشکوک هســتم و تصور می‌کنم وی با همدستی پسر مورد علاقه‌اش نقشه سرقت طلاهایم را کشیده‌اند.

با شکایت این دختر نوجوان، تحقیقات در این پرونده آغاز و بازپرس دستور بازداشت مینا و پسر مورد علاقه‌اش را صادر کرد تا اسرار این سرقت فاش شود.

گمشده

عکس متعلق اســت به آقای **عزت‌الــه حیدری** ۸۵ ساله دارای آلزایمــر که از تاریخ ۱۴۰۱/۳/۱۹ از منزل واقع در پونک خارج شده و تاکنون مراجعت ننموده است، کسانی که از نامبرده اطلاع دارند خواهشــمند اســت با شماره تلفن‌های زیر تماس حاصل نمایند.

۴۴۴۶۰۲۲۳ ■ ۰۹۱۲-۴۱۸۱۲۱۶ ■